

نقد مقوله یأس در اشعار اخوان ثالث با رویکرد قرآن و احادیث ائمه اطهار

عذرا حاتمی^۱، سید مجید تقوی بهبهانی*^۲، پروین دخت مشهور^۳

^۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۲* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

نویسنده مسئول: Email: smt@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

چکیده

در این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است، در صدد است که ضمن اشاره به واژه یأس و ناامیدی و این که ریشه آن در تفکرات غربی (نیپیلیسم) می‌باشد؛ به این پرسش پاسخ دهد که آیا ناامیدی در اشعار اخوان ثالث ناشی از تفکرات نیپیلیستی می‌باشد یا خیر؟ یأس و ناامیدی در ادبیات معاصر بعد از ۱۳۲۰ ش آغاز می‌شود و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به اوج می‌رسد. در همین زمان جامعه، به دلایل سیاسی و اجتماعی تاثیر زیادی بر شعر شاعران این دوره نهاد. نوعی ناامیدی که پس از کودتای ۲۸ مرداد بر اشعار شاعران این دوره با توجه به برهه زمانی که داشت در اشعار اخوان ثالث نیز بی‌تاثیر نبوده است و موجبات غلبه یأس و ناامیدی و تاثیرات آن در اشعارش، باعث شد که او به بیان احساسات خود در این زمینه بپردازد. این پژوهش بر آن است که معرفی کلمه یأس از منظر علم ریشه‌شناسی بپردازد و مفاهیم گوناگون این کلمه را از دیدگاه اسلامی، ادبی و فلسفی بیان کند. سپس به نقد اشعار یأس‌آلود مهدی اخوان پرداخته و از آن جا که ریشه تفکر پوچ‌گرایی از مکاتب غربی نشأت گرفته است با بررسی دیدگاه دو فیلسوف پوچ‌گرای غرب، اسپینوزا و نیچه، دیدگاه این فلاسفه را بیان کرده و تأثیر این دیدگاه را در اشعار اخوان بیابد. راه‌کار اساسی مقاله به دین مقدس اسلام اشاره گردیده که با احادیث و روایات ائمه اطهار و آیات قرآنی راه سعادت و خوشبختی انسان را در پیرامون قرآن و حدیث جستجو می‌کند. بی‌تردید مطالب مطرح شده در قرآن و حدیث می‌تواند اصلی‌ترین معیار در این نقادی برای ما باشد.

کلیدواژه: قرآن، احادیث، یأس و ناامیدی، پوچ‌گرا، اخوان ثالث.

۱- مقدمه

از دیرباز، باور به یافتن حقیقت، سر منشأ شکل‌گیری دو دیدگاه گردیده است. دیدگاه اول، دیدگاه افرادی است که به حقیقت و منشأ آن باور دارند و در نتیجه، در برابر مشکلات و سختی‌های روزگار با تمسک به آیه: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، آرامش می‌یابند. آن‌ها به امید رسیدن به هدفی والا، از تاریکی‌های ناامیدی و پوچی عبور کرده و با توسل به ایمان و امید، راه خود را به روشنایی و حقیقت می‌گشایند. دیدگاه دوم، دیدگاه افرادی است که سرگردان و ناامید از یافتن حقیقت، به پوچی و نومیدی می‌گریند و در نتیجه، در منجلاب تاریکی و گمراهی غرق می‌شوند. ناامیدی، ستم کردن بر خویشتن، خودکشی تدریجی است و ناامیدی مطلق، مرگ است. یأس و ناامیدی برخاسته از فکر و اندیشه است که هر نوع ارزشی را از بین می‌برد و فرد پوچ‌گرا رسیدن به هر هدفی را بی معنا می‌یابد. این طرز تفکر، عواقب و آثار زیان‌بار فردی و اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد. پیدایش و شکل‌گیری مقوله یأس و ناامیدی در ادبیات معاصر، بعد از سال ۱۳۲۰ ش آغاز شد و با کودتای ۱۳۳۲ ش به اوج خود رسید. در این زمان، جامعه به دلایل سیاسی به ناامیدی گرایید. در کتاب «ادوار شعر فارسی» در بیان درون مایه‌های شعری بعد از کودتای ۲۸ مرداد، بیان می‌دارد: «درون مایه‌ای که در قلمرو شعر این دوره عرضه می‌شود، کم و بیش عبارتند از مسأله مرگ و یأس و ناامیدی عجیبی که بر شعر این دوره حاکم است. غالباً شعرا به مرگ می‌اندیشند و اصولاً یکی از درون مایه‌های اصلی شعر در این دوره اندیشیدن به مرگ و حتی ستایش ناامیدی عجیب و غریبی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۶۱). ناامیدی و یأس آمیز بودن شعر معاصر، علت‌های متفاوتی در پی دارد؛ همان‌طور که در شعر شاعران معاصر مشاهده می‌کنیم بر خلاف اشعار کهن، با شعر زندگی می‌کنند و همه حالات و روحیات زندگی انسان در شعرش جلوه‌گر است. در اشعار مهدی اخوان ثالث، یأس و ناامیدی از بسامد بسیار بالایی برخوردار است؛ تا جایی که از او به عنوان شاعری پوچ‌گرا یاد می‌شود. پیام‌هایی که در اغلب اشعار او به خواننده منتقل می‌شود، نشان از نگرانی، ناامیدی، حزن، اندوه، اضطراب، ترس، عدم اطمینان و ناامیدی شاعر است. بسامد بسیار بالای پیام‌های آوایی آه و سکوت در اشعارش نشان می‌دهد دو رویی‌ها، ناراستی‌ها و تزویرها، فضای فکری اخوان ثالث را مملو از اندوه و ناامیدی کرده است.

۲- سوالات تحقیق

- ۱- یأس و ناامیدی اخوان ثالث ناشی از چیست؟
- ۲- تأثیر یأس و ناامیدی اخوان ثالث در اشعارش به وضوح مشاهده می‌شود؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- ناامیدی و یأس آمیز بودن شعر اخوان به این علت است که شعر او بازتاب اوضاع اجتماعی و سیاسی دوره زندگی وی است.
- ۲- یأس و ناامیدی، عامل تغییر دیدگاه شاعر نسبت به خود، اطرافیان و جامعه گردیده است و بازتاب آن را در اشعار اخوان به وضوح می‌توان دید.

۴- پیشینه تحقیق

- در مورد شاعران معاصر و مخصوصاً مهدی اخوان ثالث، مقالات و پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. از جمله:
- ۱- قیامتی، علیرضا، (۱۳۹۶)، «بررسی ناامیدی در شعر اخوان ثالث». در این مقاله زوایا و انگیزه‌های ناامیدی در شعر مهدی اخوان ثالث بررسی شده است.
 - ۲- شکوری، ناصر، (۱۳۹۱)، «این شکسته چنگ بی قانون». در این پژوهش، نویسنده با توجه به اوضاع فرهنگی و اندیشه غربی و نمایندگان این اندیشه، تأثیر آن را بر اشعار این شاعر بزرگ بررسی کرده است.
 - ۳- میرزایی، محمد، (۱۳۸۸)، «ناامیدی‌های م. امید مهدی اخوان ثالث». در این مقاله نویسنده به بررسی دلایلی پرداخته است که سبب شده بیشتر اشعار اخوان ثالث با مضامین یأس و ناامیدی آمیخته باشد.
 - ۴- حیدری، رسول، (۱۴۰۰)، «بررسی دگردیسی معرفتی مهدی اخوان ثالث در نگاه به مکتب». این تحقیق در مورد تبیین چگونگی و چرایی دگردیسی اعتقادی مهدی اخوان ثالث به جایگاه امام رضا (ع) و دلایل این دگردیسی است.
 - ۵- حیدری، رسول، (۱۳۹۳)، «تأملات فلسفی و هستی‌شناسانه در شعر مهدی اخوان ثالث». در این مقاله نویسنده با تأمل در اشعار اخوان ثالث، وی را از زمره شاعران اندیشمندی می‌داند که مقولات دینی و تأملات هستی‌شناسانه از اصلی‌ترین دل مشغولی‌های او در طول حیاتش بوده است.
 - ۶- کریمی نسب، خداداد، (۱۴۰۱)، «کتاب یأس و امید در اشعار مهدی اخوان ثالث». در این تحقیق به تحلیل مفهوم و شاخصه‌های یأس در اشعار مهدی اخوان ثالث پرداخته شده است.
 - ۷- کریمی نسب، خداداد، (۱۳۹۸)، «تحلیل مفهوم و شاخصه‌های امید در اشعار مهدی اخوان ثالث». در این تحقیق به تحلیل مفهوم و شاخصه‌های امید در اشعار مهدی اخوان ثالث پرداخته شده است.
 - ۸- صیادکوه، اکبر، شایگان فر، هادی، تیموری، توحید، محمدی، رسول، (۱۳۹۲)، «بودن یا نبودن: نگاهی بینامتنی بر ویلیام شکسپیر، احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث». در این پژوهش نویسنده با بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر شکسپیر در انگلستان و جو حاکم بر ایران در زمان احمد شاملو و اخوان ثالث پرداخته و اشتراکات حاکم بر فضای شعری و آثار این نویسندگان و شاعران را مورد بررسی قرار داده است.
 - ۹- مرادی، فرشاد، پارسا، سیداحمد، (۱۳۹۶)، «مقایسه سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲». این پژوهش مقایسه تطبیقی میزان نمود ویژگی‌های اصلی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث است. نقد مقوله یأس در اشعار اخوان ثالث با رویکرد قرآن و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام)، موضوعی است که تاکنون بررسی نشده است.

۵- تبیین و تحلیل مبانی نظری پژوهش

یأس در معنای ناامیدی، بی‌چارگی و درماندگی به کار رفته است که خلاف آن، امیدواری و امیدوار بودن می‌باشد. نومیدی، نمیدی، حرمان، قنوط و خیبت از دیگر معانی است که برای واژه یأس به کار گرفته شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه یأس). یأس، مقابل طمع است و در لغت به معنای انقطاع و توقع انسان از رسیدن چیزی، به خود است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۴/۲۲۳). در اصطلاح اخلاقی، یأس عبارت از حالتی است که در مقام عجز و ناتوانی در نفس انسان پدید می‌آید و به طور کلی قطع امید از کاری را یأس می‌گویند. ناامیدی از لغزش‌های اخلاقی به شمار می‌رود؛ زیرا به معنای ستم کردن بر خویش و خودکشی تدریجی است و ناامیدی مطلق، مرگ است (سجادی، ۱۳۷۳: ج ۲/۱۹۲).

در آیات قرآنی و روایات اسلامی درباره یأس می‌توان به این موارد اشاره کرد: «تنها کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند». (هود/۹). کافر به خدا، یا منکر وجود حق است یا منکر قدرت او یا منکر عنایات او است. بر هر کس که ایمان به خدا دارد، لازم است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد، انجام می‌دهد و به هر چه اراده کند، حکم می‌نماید و هیچ مؤمنی نمی‌تواند از خدا مأیوس، و از رحمتش ناامید شود؛ زیرا یأس از روح (رحمت) خدا در حقیقت

محدود کردن قدرت او، در معنای کفر به احاطه وسعۀ رحمت اوست (طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۱/۲۳۳). خداوند در قرآن آورده است: «بالاترین بلا، یأس و ناامیدی است» (یوسف / ۸۷).

از جمله مواردی که انسان مأیوس شده و ناامیدی وجودش را فرا می‌گیرد:

۱. کفر: اگر انسان به خداوند و رحمت و قدرت او در انجام کاری اعتقاد نداشته باشد و اسباب خیر و آسایش خود را به چیز دیگری بداند؛ در حالی که تمام اسباب خیر در دست توانای خدای متعال است (دستغیب، ۱۳۷۵: ج ۱/۷۷).

۲. غفلت: انسان موحد پس از این که به خدای عالم ایمان آورد، اگر در امری از امور به واسطه غفلت از فرج و رحمت پروردگارش مأیوس باشد، در آن حال به صفت ذمیمه‌ای از صفات کافران متصف می‌گردد (همان: ۷۸).

۳. جهل و ناامیدی ۴. وسوسۀ شیطان و ۵. توجه به حکمت دشواری زندگی.

یأس و ناامیدی در ادبیات معاصر ایران بعد از ۱۳۲۰ ش ظهور می‌یابد و ادامه می‌یابد و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به اوج خود می‌رسد. در این دوره جامعه به دلایل سیاسی، اجتماعی به ناامیدی گرایش می‌یابد. در کتاب «ادوار شعر فارسی» در بیان بن مایه‌های شعری بعد از کودتای ۲۸ مرداد می‌نویسد: «درون مایه‌های تازه‌ای که در قلمروی شعر این دوره عرضه می‌شود، بیش و کم عبارتند از: مساله مرگ و یأس و ناامیدی عجیبی که بر شعر این دوره حاکم است. غالباً شعرا به مرگ می‌اندیشند و اصولاً یکی از درون مایه‌های اصلی شعر در این دوره اندیشیدن به مرگ و حتی ستایش مرگ و ناامیدی عجیب و غریبی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۶۱). حقیقت این است در شعر نو ایران که با نیما یوشیج آغاز می‌شود، انبوهی از یأس وجود دارد که شاعر را به کنج تنهایی و انزوا فرا می‌خواند. شاعران اغلب ناامیدند. نیما که سردمدار شعر نو ایران است در شعر «افسانه» می‌گوید:

ای دریغا، ای دریغا، ای دریغا! که همه فصل‌ها هست تیره / از گذشته چو یاد آورم من / ولی ببیند چشمم خیر خیر / پر ز حیرانی و ناگواری (یوشیج، ۱۳۷۰: ۵۱).

روحیۀ شکست، حسرت، فرو رفتن در تنهایی و گریستن، بعد از نیما در شاعران پیرو او آشکارتر می‌شود. نمونه‌ بارز، مهدی اخوان ثالث است که بارها اندوه و حزنش را در شعر بیان کرده است. او در شعر «قاصدک» می‌گوید: قاصدک! ابرهای همه عالم شب و روز در دلم می‌گریند (اخوان ثالث، ۱۳۷۱: ۱۲۷). ناامیدی و یأس آمیز بودن شعر معاصر علت‌های متفاوتی دارد. مهم‌ترین علت این است که شعر شاعر معاصر از لحظه لحظه‌های زندگی‌اش سرچشمه می‌گیرد. بر خلاف شعر کهن که شاعران به ندرت درباره زندگی خود سخن می‌گویند، شاعران این دوره، تجربه‌های شخصی خود را در شعر به سهولت بیان می‌کنند؛ بس که هم‌پایش غم و ادبار می‌آید فرود / بر سر من عید چون آوار می‌آید فرود / می‌دهم خود را نوید سال بهتر / سال‌هاست گر چه هر سالم بتر از پار می‌آید فرود (اخوان، ۱۳۵۷: ۷۷).

۱-۵- مکتب نیهیلیسم

نیهیلیسم از بارزترین مکاتب پوچ‌گرایی در غرب است که مترادف ریشه لاتین (Grande larovsse) به معنی «هیچ» است. در کتاب‌های لغت فرانسه (Nihil) لفظ نیهیل است. بنا بر این، نیهیلیسم که در اصطلاح فارسی می‌توان آن را (Nothings) و مترادف انگلیسی آن (Reia) به فارسی کلمه «نیست‌گرایی»، «هیچ‌گرایی» و بی‌گرایشی نامید، روشی است که موضوعات تحلیل شده بر اندیشه‌های بشری را به نوعی نفی می‌کند. این نفی، هم از جهات فلسفی؛ یعنی چرایی‌ها و چگونگی‌ها «معتبر شناخته شده» و هم از جنبه‌های اجتماعی، و شامل قراردادهای تحمیلی دست و پاگیر است که اساساً نیهیلیسم آن را مطرود می‌شمارد» (غفوری، ۱۳۵۶: ۳۷). واژه نیهیلیسم یا نیست‌انگاری به این معناست که «برترین ارزش‌ها» ارزش خویش را از دست می‌دهند یا چرایی را پاسخی نیست (نیچه، ۱۳۷۷: ۶۴). در نیهیلیسم اساساً ارزشی باقی نمی‌ماند، یا بدین جهت که دلیلی ندارد یا انگیزه‌ای برای آدمی باقی نمی‌ماند که به آن ارزش‌ها دل ببندد و آنها را اجرایی کند. نیهیلیسم در حوزه‌های اخلاقی و معرفتی در واقع هرگاه معیارهای داوری آدمی در حوزه هست و بایست‌ها فرو بریزد آدمی مبتلا به نیهیلیسم می‌شود؛ یعنی آدمی معیارهای خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند یک گزینه اخلاقی و معرفتی را بر گزینه دیگر ترجیح دهد. در این صورت آدمی «در هر عملی که انجام می‌دهد، بی‌هدفی نهایی بشر را پیش روی خود می‌بیند و تمامی اعمالش در سرشت و ذات، بیهوده می‌یابد. از این منظر، زندگی آدمی توأم با درد و رنج و مرگ و تغییرات است، از هرگونه معنا و هدفی خالی می‌ماند؛ یعنی وقتی آدمی از خویش می‌پرسد که آیا زندگی کردن بر زندگی نکردن رجحان دارد یا نه، نمی‌تواند هیچ پاسخی برای آن مهیا کند و پاسخ به این پرسش‌ها ناممکن می‌شود؛ چرا که هیچ دلیل موجهی برای انتخاب و رجحان یکی بر دیگری وجود ندارد (نیچه، ۱۳۹۴: ۸۰).

۲-۵- فلسفه اسپینوزا

از جمله فلاسفه پوچ‌گرا اسپینوزا است. او چون از گروه مسیحیانی که وی را منکر خدا (ملحد) می‌پنداشتند، در بیم و هراس زندگی خود را در تهی‌دستی و بی‌نوایی گذراند و برای امرار معاش به کار تراش و نصب عدسی عینک مشغول بود. گویند: در زندگی شخصی‌اش بیش از هر فیلسوف بزرگ دیگر به

قدیسان شباهت داشت و در روز مرگ خود آرام بود و از مرگ ترس نداشت و هرگز از جملات کنایه‌آمیز و بد خواهی‌هایی که به او شد، خشمگین نشد و خلق و خوی معقول خود را از دست نداد. اسپینوزا می‌نویسد: «به تجربه دریافتیم که همه امور عادی که مردم در زندگی دنبال آنند بیپه‌وده و پوچ است و هیچ یک از اشیائی که مرا می‌ترسانند در خود آن‌ها چیزی خوب یا بد نیست و فقط فکر و ذهن تحت تأثیر آن‌ها است. تصمیم گرفتم تحقیق کنم که آیا چیزی هست که واقعا خوب باشد و بتواند نیکی را منتقل سازد و فکر را تنها تحت تأثیر خود قرار دهد و هر چیزی از آن‌ها رها کند؟ راستی آیا چیزی می‌تواند که کشف و نیل به آن مرا قادر به برخورداری از سعادت پایدار، برین و جاویدان سازد؟ از آن جهت تصمیم من درباره نظر غیرعقلانه و دور از احتیاط می‌نمود که آن چه را مورد اطمینان است برای آن چه مورد اطمینان نیست از دست بدهد و نیز آگاه بودم که اگر خود را جدا وقف جستجوی چیزی غیر از این‌ها کنم، مجبور خواهم بود از آن فواید و منافع چشم‌بپوشم. بر من معلوم بود که اگر سعادت حقیقی اتفاقا در شهرت و ثروت باشد، ناگزیر آن را از دست خواهم داد؛ در حالی که اگر برعکس سعادت در شهرت و ثروت نباشد و من توجه خود را در آن صرف کرده باشم به همان پایه دچار ناکامی خواهم شد» (ر.ک. پاپکین، ۱۹۲۳: ۸۵).

۵-۳- زندگی از نگاه نیچه

نیچه زندگی را چنین تصویر می‌کند: «آموختاری پدید آمده و باوری در کنار آن که همه چیز تهی است، همه چیز یکسان است، همه چیز به پایان آمده است. از تمام تپه‌ها پژواک آمد: همه چیز تهی است و همه چیز یکسان است، همه چیز به پایان آمده است. درست است که خرمن کرده‌ایم و اما چرا میوه‌هایمان تپه و سیاه شده است؟ دوش از ماه شیرین چه فرو افتاده؟ کارمان همه بیپه‌وده بوده و شرابمان زهر گشته و چشم بد بر کشت‌ها و دل‌هایمان داغ زردی زده است. ما همه خشکیده‌ایم و اگر آتش در ما افتد خاکستر خواهیم شد. آری، ما آتش را نیز به تنگ آورده‌ایم. چشم‌هایمان همه خشکیده است (نیچه، ۱۳۵۲: ۷۸)». «نیچه نیست انگاری سازش ناپذیر را اعتقادی می‌داند که در آن وجود، مطلقا غیر قابل دفاع است؛ زمانی که آن را با والاترین ارزش‌هایی که می‌شناسیم، مقایسه می‌کنیم، علاوه بر این، تشخیص این امر است که ما به هیچ روی حق نداریم برای اشیاء یک «ماورا» یا یک «در ذات خویش» قائل گردیم که «خدایی» یا اخلاق مجسم باشد» (نیچه، ۱۳۷۷: ۲۶).

۵-۴- افکار، اشعار و گرایش‌های شعری اخوان ثالث

اخوان ثالث در بحرانی‌ترین دوره جنبش‌های سیاسی که بعد از کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش است هم‌چون وضعیت جامعه خود در معرض بسیاری از نوسان‌ها قرار می‌گیرد. برای ادراک ذهنیت اخوان به خصوص گرویدن او به انسان باید، اشعار او را در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار داد و اجزای آن را باز شناخت. هم‌چنین با دوره‌بندی گرایش اندیشه او، مفاهیم و اجزای ذهنی او را طبقه‌بندی کرد تا در مجموع بتوان به چگونگی شکل‌گیری گرایش‌های او را در دل حوادث سیاسی اجتماعی پی برد. گرایش‌های این شاعر را به دو دوره تقسیم کرد: ۱- گرایش دوره پیش از شکست. ۲- گرایش دوره پس از شکست.

گرایش اول که مربوط به سرنوشت انسان است و قابل تاویل به یک احساس اجتماعی عدالت‌خواهانه رمانتیک می‌باشد. دوره آغازین برای شعر «امید» انسان و مبارزه او برای عدالت‌خواهی است؛ ولی هنوز از استقلال و تنوع موضوعی چون دوره بعد برخوردار نیست. در اشعار او احساسات شورانگیزی که نمودار روشن‌ترین ادراک حس اجتماعی او با توجه به رومانسیسم انقلابی است، پدیدار می‌باشد (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۰: ۶۳).
نه از روم، نه از زنگم، همان بی‌رنگ بی‌رنگم / بیا بکشای در، بکشای، دل‌تنگم / حریفان! میزبانان! میهمان سال و ماهت پشت در چون موج می‌لرزد / تگرگی نیست، مرگی نیست / صدایی گر شنیدی، صحبت سرما و دندان است ...

در اشعار اخوان ثالث می‌توان ناامیدی فردی و اجتماعی و حتی مغلوب شدن در برابر طبیعت را مشاهده کرد. دلیل این ناامیدی گاهی دو رویی‌ها، ناراستی‌ها و تزویرهای مردم و اجتماع اطراف اوست که فضای فکری اخوان ثالث را مملو از اندوه و ناامیدی کرده است: ای، مردم! ای، مردم! / به تنگ آمد دلم - دیوانه - یا مردم! / دلم می‌ترکد از این وحشت و می‌گوید از این‌جا فرود آیم / کجا بایست بگریزم؟ کجا مردم؟ / دلم می‌گوید، اما من نمی‌خواهم / دریغ، نفرتا، راهی ندارم جز که در پیش شما، مردم! (اخوان، ۱۳۵۷: ۲۱). اخوان در صحنه زندگی، خود را مات شده و تمام راه‌های رهایی را به روی خود بسته می‌بیند و در نتیجه، ناامیدی و خستگی بر او غالب می‌شود: چو شاه شطرنج، وقتی که از هر طرف می‌رود راه بسته است. دل مرده و خسته و مات / نهم انتظار امید / نه نیز افسوس و هیبت (همان: ۴۱). در دین اسلام، اعتقاد به دنیایی حقیقی و جاوید غیر از این دنیای گذرا، سبب می‌شود که انسان از رنج‌ها و سختی‌های زندگی دچار یأس و ناامیدی نگردد. همچنان که خداوند در قرآن آورده است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنِّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا سرای آخرت است؛ ای کاش می‌دانستند (عنکبوت/۶۴). اخوان ثالث، گاهی در برهه‌ای از زندگی دچار ناامیدی و تردید می‌گردد و این ناامیدی، دل مردگی و یأس را به نوع بشر تعمیم می‌دهد:

«چه با خشم و اسف نومییدی از ایمان! / نه امروز و نه فردا پس کی آخر؟ آه! / اسفبارست و خشم‌انگیز، این نومییدی، ای انسان!» (اخوان، ۱۳۵۷:۴۵). در دین اسلام، انسان اگر محبت به دنیا نداشته باشد، هیچ وابستگی به آن ندارد که در نتیجه آن احساس نومییدی می‌کند؛ اما شیفته دنیا باشد در انتظار رسیدن به خواسته‌های دنیوی است و اگر به این خواسته‌ها نرسد احساس ناامیدی می‌کند و تمام تلاشش را می‌کند که داشته‌های مادی خود را از دست ندهد و هنگام جدایی از آنها حسرت فراوان می‌خورد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا». کسی که دنیا همت او باشد، به هنگام مرگ زیاد حسرت می‌خورد (بحار الأنوار، ج ۷۴: ۳۷۸). اخوان، گاهی خلقت و آفرینش و تقدیر خود را بیهوده و پوچ می‌داند و در این تفکر، فلسفه اسپینوزایی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد: ز خاکم برگرفت و می‌دهد بر باد ناکامی / مگر طفل است، یا دیوانه، این تقدیر بی‌پیرم؟ / نه پروازی، نه آب و دانه‌ای، نه شوق آوازی / به دام زندگی امید گوئی مرغ تصویرم (اخوان، ۱۳۵۷: ۶۳). با توجه به این که دنیا پست‌ترین عالم است، زیرا خداوند در هیچ عالمی (نه در عوالم قبل از دنیا و نه در عوالم بعد از دنیا) معصیت نمی‌شود و تنها در این دنیا معصیت می‌شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵ / ۵۷). بنا بر این یکی از عواملی که موجب نسیان و فراموشی خداوند می‌شود، تعلق و وابستگی به آن است. انسانی که وابسته به دنیا شد، دیگر به توحید و فضائل توحیدی راه نمی‌برد و به همین دلیل، دنیا بزرگ‌ترین مانع شکوفائی فطرت اوست. خداوند انبیاء و رسولان را فرستاد تا پرده دنیاگرایی را از جلوی چشم جامعه کنار بزنند و فطرت انسان را بیدار نگه دارند، تا غافل از یاد خدا نباشند. حضرت علی (ع) در این باره در نهج البلاغه می‌فرمایند: «خداوند مخلوقاتش را در دنیا اسکان داد و رسولش را به سوی جن و انس مبعوث کرده تا پرده از چهره زشت دنیا بگیرند و آنها را از زیان‌هایش بر حذر دارند.» (همان/۱۸۳). او حزن و اندوهی بی‌پایان را در تمام موجودات مشاهده می‌کند:

بیابویز این قفس را از میان پنجره، مادر! / و در آن روشن آئینه‌ای بگذار / که با تصویر خود سرگرم باشد غمگنک مایا / درین تنهایی تاریک روح آزار / و جام کوچکش را از زلال اشک من پر کن / و بی‌تی چند — مشتی حنظل — از دیوان من بردار / به ظرف چینه دانش ریز (اخوان، ۱۳۵۷: ۸۳). «م. امید» زندگی و دنیا را پوچ و بی‌ارزش می‌داند و این حقیقتی انکارناپذیر است. این تفکر در شاعران بسیاری در قرن‌های مختلف وجود داشته و دارد. چنین تفکری اگر ریشه در بی‌اعتقادی و انکار این حقیقت باشد که دنیایی دیگر وجود دارد که می‌توان در آن به حقیقت و آرامش رسید، تفکری پوچ گرایانه است: بلی، ای غمگن تنها! همان هیچ است و دیگر هیچ / و گر جز هیچ باشد پوچ / و بیهوده است از زندان به زندان کوچ (همان: ۹۸). پیام پیامبران چنین بوده است که طبیعت زندگی این جهان مادی، فناء و نابودی است. محکم‌ترین بناها و بادوام‌ترین حکومت‌ها و قوی‌ترین انسان‌ها و هر چیز که از آن مستحکم‌تر نباشد، سرانجام کهنه و فرسوده، سپس نابود می‌شود. اما اگر بتوان این موجودات را به نحوی با ذات پاک خداوند پیوند داد و برای او و در راه او به کار انداخت، رنگ جاودانگی به خود می‌گیرد، چون که ذات پاکش ابدی است. اخوان، بارها در اشعارش به دل‌مردگی و خستگی ناشی از یأس و ناامیدی اشاره کرده است:

از بس که ملول از دل دل مرده خویشم / هم خسته بیگانه هم آزردۀ خویشم (اخوان، ۱۳۶۰: ۵). در جایی دیگر به ناامیدی حاصل از تردید و سرگشتی خود اشاره می‌کند. اما به این حقیقت که بازگشت همه انسان‌ها به سوی خداوند است، باور دارد: دانم این که بایدم سوی تو آمد لیک / کاش این را نیز می‌دانستم ای شناخته منزل! / که از این بیغوله تا آنجا کدامین راه یا / کدام است آن که بی‌راه است / (همان: ۷). در جایی دیگر می‌گوید:

غم دل با تو گویم غارا! / بگو آیا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟ / صدا نالنده پاسخ داد: «آری نیست؟» (اخوان، ۱۳۶۰: ۲۵).

و در این بندها به بیهودگی و بیهوده بودن زندگی اشاره دارد:

قصه تا اینجاش، این جایی که من خواندم، قصه بیهوده‌تر بیهودگی‌ها بود (اخوان، ۱۳۵۷: ۳). این سبک تفکر، چنان که پیشتر اشاره شد، برگرفته از تفکر نیهیلیسم است که چرایی را پاسخی نیست و آدمی در هر عملی که انجام می‌دهد، بی‌هدفی نهایی بشر را پیش روی خود می‌بیند و تمامی اعمالش در سرشت و ذات، بیهوده می‌یابد. در قرآن بارها تأکید شده است که «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ». آیا گمان کردید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید؟ (مؤمنون / ۱۱۵).

او در حزن و اندوه و ناامیدی پدیده‌های طبیعت و طبیعت را با خود همسو می‌بیند و به هر جا می‌نگرد فقط تاریکی، غم و حزن مشاهده می‌کند. چنان‌که در بندهای ذیل، شب‌های پاییز را با خود هم‌درد می‌داند:

شب از شب‌های پاییزی ست / از آن هم‌درد و با من مهربان شب‌های شک‌آور / ملول و خسته دل، گریبان و طولانی / شبی که در گمانم من که آیا بر شبنم گرید، چنین هم‌درد و یا بر بامدادم گرید، از من نیز پنهانی (اخوان، ۱۳۶۰: ۵۹). در بندهای ذیل نیز ابرهای شب‌گیر اسفندی را با خود هم‌سوگ و هم‌درد می‌بیند:

کدامین سوگ می‌گریاندت ای ابر شب‌گیران اسفندی؟ / اگر دوریم، اگر نزدیک / بیا با هم بگیریم ای چو من تاریک (همان: ۶۸). و یا در بندهای ذیل، برای بیان نومییدی و دل‌مردگی خود از پدیده‌های طبیعت، چون سیل، مرداب، ابر استفاده کرده است: نه زورقی و نه سیلی، نه سایه ابری / تهی است آئینه مرداب انزوای مرا / خوش آنکه سر رسدم روز و سردمهر سپهر / شبی دو گرم به شیون کند سرای مرا (از این اوستا، ۱۳۶۰: ۶۹). در بندهای ذیل نیز شاعر

امیدی به بهبود آینده و فرداها ندارد؛ دیدگاهی که در اسپینوزا و نیچه می‌توان مشاهده کرد. شاعر برای بیان این ناامیدی از آینده از طبیعت بهره بسیاری برده است:

خشکید و کویر لوت شد دریامان / امروز بد و از آن بدتر فردامان (اخوان، ۱۳۶۰: ۹۰).

تکرار این مضمون را به کرات در اشعار اخوان می‌توان دید:

چون سبویی است پر از خون، دل بی کینه من / این که قندیل غم آویخته در سینه من / نهد طفل مرا شادی و غم راحت و رنج / پر تفاوت نکند شبیه و آدینه من (همان: ۸۷).

در بندهای ذیل نیز عناصر طبیعت را می‌توان در آمیختگی با اندوه مشاهده کرد:

ای تکیه‌گاه و پناه / غمگین‌ترین لحظه‌های کنون بی‌نگاهت تهی مانده از نور در کوچه باغ گل تیره و تلخ اندوه / در کوچه‌های چه شب‌ها که اکنون همه کور (همان: ۷۵). گاه در اشعار «م. امید»، حزن و اندوه او حاصل تنهایی و انزوای اوست:

کیستم؟ یک تکه تنهایی / ترستان بیهوده است از من، آری، آری تک و تنهایی / در همین خاموشی تاریک‌تر از ترس (اخوان، ۱۳۵۷: ۵۹).

در برخی از اشعار اخوان تسلیم شدن او به اندوه و ناامیدی را می‌توان دید: «قاصدک! هان چه خبر آوردی / از کجا وز که خبر آوردی / خوش خبر باشی، اما / گرد بام و در من بی ثمر می‌گردد / انتظار خبری نیست مرا نه ز یاری نه دباری / باری برو آنجا که بود چشمی و گوش با کس / برو آنجا که تو را منتظرند (اخوان، ۱۳۶۰: ۱۴۸). در برخی از اشعار اخوان ثالث می‌توان بارقه‌هایی از امید را دید. امید به گشایش راه که مستلزم جد و جهد است: «رشته امید بی‌حاصل گسستن، بهتر از بیهوده دل بستن / هم پذیرم این که از بن بست مطلق بگسلی پیوند تا / مگر شاید بار دیگر جد و جهد و کند و کاوت، جزم / از مسیر دیگری راهیت بگشاید» (اخوان، ۱۳۵۷: ۱۲۱). بنابراین، در اغلب اشعار اخوان، یأس او حاصل یک ناامیدی سیاه و تاریک است که ریشه در اندیشه‌های او دارد و این‌ها حاکی از سرخوردگی و تن دادن او به قضا می‌باشد: الا پت پت رنجور شمعی در جوار مرگ / ملول و با سحر نزدیک و دستش گرم کار مرگ / از آن سو می‌رود بیرون، به سوی غرفه‌ای دیگر به / امید که نو شد از هوای تازه آزاد / ولی آنجا حدیث ننگ و افیون است / از اعطای درویش که می‌خواند: جهان پیر است و بی بنیاد / از این فرهاد کش فریاد ...» (اخوان، ۱۳۷۰: ۴۵). اخوان با مجموعه زمستان ناامیدی خود را به‌طور روشن به گوش شنوندگان می‌رساند. به قول آشوری: «در این کتاب اخوان ناله درد آلودی دارد». محتوای مجموعه شعری زمستان بازتاب حالت نفرتی است که او از پیمان شکنی‌ها و دو رنگی‌های یاران دغل پیشه احساس می‌کند. منم من میهمان هر شبت / لولی وش مغموم منم من / سنگ تپیا خورده رنجور منم / دشنام پست آفرینش، نغمه ناجور / نه از روحم نه از زنگم، همان بی‌رنگ بی‌رنگم (اخوان، ۱۳۷۰: ۷۸). نهایت ناامیدی و غم سنگین غربت در این‌جا از زبان اخوان بازگو می‌شود. زمزمه‌های او با جملاتی کوتاه و آهنگین که بیانگر غمگین بودن از فریب‌ها و ابلیس‌های به ظاهر درست، و اظهار بی‌رنگی‌ها بیان می‌شود؛ به سان مادری فرزند مرده که آهنگ غم خود را در زیر لب زمزمه می‌کند و خود را با حرکت دادن آرام می‌کند. اخوان در نهایت از آفرینش خود هم شکایت می‌کند و هستی را زیر سوال می‌برد که نغمه ناجور آفرینش منم.

تگرگی نیست / مرگی نیست / صدایی گر شنیدی / صحبت سرما و دندان است / من امشب آمد هستم وام بگذارم / حسابت را کنار جام بگذارم (همان: ۷۹). اخوان در این‌جا اظهار می‌دارد که حتی مرگی هم پیش نمی‌آید. طنین صدایش اوج می‌گیرد. جملات را محکم‌تر و طولانی‌تر بیان می‌کند؛ بدون این‌که کسی به او چیزی بگوید یا منعی در کار باشد. با توجه به مطالب بالا و اشاراتی که راجع به یأس و پیامدهای آن شده، می‌توان نتیجه گرفت که یأس و ناامیدی خود عامل عوض شدن دید انسان نسبت به خود، اطرافیان و جامعه است. چه بسا که فرد نوامید نسبت به کم‌بینی خود، جامعه را از لون دیگری مشاهده کند، بسا که این کم‌بینی بر تمام زندگی سیطره گستراند و چون شخص، اعتقادات و باورهای خود را از منظر دیگری می‌بیند، این حالات و رفتارها مخالف با اصل اسلام و احادیث و قرآن مجید باشد، با تن و جان عجین شود و انسان ناگزیر می‌شود به قهقرای پوچ‌گرایی کشیده شود و صفاتی که شایسته یک انسان معناگرا می‌باشد از او سلب شود و در برهه بیهوده‌گویی و پوچی و بی‌معنایی قدم نهد.

۶- راهکار درمانی قرآن و حدیث

یکی از راه‌های نجات از یأس و ناامیدی پی‌بردن به رحمت الهی و امید به فضل پروردگار است. در چهار مورد از خداوند طلب رحمت شده است که سه مورد آن از طرف پیامبران و دیگری از سوی بندگان خالص الهی است (بقره / ۲۸۶؛ اعراف / ۱۵۱ و ۱۵۵؛ مؤمنون / ۱۰۹). واژه الرحمن در سراسر قرآن ۱۵۷ مرتبه و واژگان الرحیم و رحیم و رحیما جمعا ۱۶۶ مرتبه تکرار شده است و در آیه ۱۲۸ سوره توبه نیز کلمه رحیم در وصف پیامبر اکرم (ص) آمده است. همچنین پیام‌های الهی که حاکی از رحمت پروردگار است: در آیه: «وَرَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ». پروردگار شما بخشنده و دارای رحمت است (کهف/۵۸). «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ». و رحمت الهی واسع است و شامل هر چیزی می‌شود (اعراف/۱۵۶). «كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِي الرَّحْمَةَ». خداوند رحمت را بر خویش واجب فرموده است (انعام/۱۲ و ۵۲). امام محمد باقر (ع) در مورد فضل و رحمت الهی می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورٌ نُورَانِوُ خَيْفَةٌ وَ نُورٌ رَجَاءٌ، لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا، وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا». «هیچ بنده مؤمنی نیست، جز آن‌که در ضمیرش دو نور تابان است (خوف) نسبت

به کرده‌های پیشین و فرجام پسین و (نور امید) به فضل و رحمت پروردگار که اگر هر یک با دیگری سنجیده شود، هیچ یک فزونی نخواهد یافت.» (وسائل الشیعه، ۱۳۵۷/۲ ج: ۴۸۸). سوره یوسف نیز حاکی از رحمت واسعه الهی است. «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ». ای پسرانم! بار دیگر به مصر بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خداوند مأیوس نشوید. حق این است که جز گروه کافران، از رحمت خداوندی مأیوس نمی‌شوند» (یوسف/۸۷).

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات مهم در میان متفکران، مساله هدف‌داری عالم هستی است. سوال مهم این است که آیا عالم هستی به دنبال هدفی است یا نه؟ موحدان به دلیل این که هیچ موجود خردمندی، فعل بیهوده‌ای را انجام نمی‌دهد، بر این باورند که حتی عالم هستی هدف‌دار است پس موجودات عالم از جمله انسان در خلقت خود هدفی را دنبال می‌کنند. آنهایی که اهل بصیرت هستند از جزئی‌ترین تا کلی‌ترین مخلوقات را هدف‌دار می‌دانند. مسئله مهم چگونه زیستن نیست بلکه چرا زیستن است. فرهنگ بشری جدا شده از وحی، انسان را موجودی مادی محض می‌داند که تصادفاً از دستگاهی فاقد شعور آفریده شده است. چند صباحی در این دنیا زیست می‌کند و سپس راهی دیار عدم می‌شود. پیدایش بحران‌های اجتماعی و مکاتبی مانند نیهیلیسم زاییده این نگرش به حقی است، تنها در مکتب وحی می‌توان به این پرسش پاسخ داد که چرا به عالم هستی آمده‌ایم؟ متکلمان مسلمان، هدف از خلقت جهان را خارج از ذات حق می‌دانند و می‌گویند که خداوند موجودات را آفریده است تا آنها را در سیر کمالی که استحقاق آن را دارند هدایت کند و به کمال مطلوب برساند. در این باره خداوند بزرگ می‌فرماید جز این نیست که خلق را آفریدم تا از من بهره‌گیرند و سود ببرند. آنها را نیافریدیم تا از آفرینش آنها سود ببرم. هم‌چنین: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا بَنِي آدَمَ، لَمَ أَخْلَقْتُكُمْ لِأَرْبَحَ عَلَيْكُمْ، إِمَّا خَلَقْتُكُمْ لِيَرْبَحَ عَلَيَّ فَاتَّخِذْنِي بَدَلًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَإِنِّي نَاصِرٌ لِكُلِّ شَيْءٍ» همین احادیث قدسی را مولانا جلال‌الدین به شیوایی بیان کرده است: من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بندگان جودی کنم. ممکنات در انجام کارهایشان تلاش می‌کنند تا نقص موجود در خود را کامل کنند اما خداوند که نقصی در ذات خود ندارد نمی‌تواند در کارهایش به دنبال کمال شخصی خود باشد بلکه هدفش از خلقت، کمال مخلوقات است. در حقیقت خداوند از کارهایش، هدف فعلی دارد نه هدف فاعلی. یعنی می‌خواهد فعل خود را کمال ببخشد نه خود را. زیرا اگر از هدفش سودی را برای خود می‌خواست، مستلزم نقص در ذات خداوند بود. همان‌طور که پیداست، آثار متنوعی از اخوان ثالث (م. امید) مطرح شد که در مواجهه با آنها می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد: رویکرد اول ظواهر شعری شاعر که چشم‌ها را بیننده را به خود معطوف می‌سازد و هم‌دلی و هم‌زبانی بین شاعر و خواننده برقرار می‌شود. رویکرد دوم: عمق شاعرانه اخوان ثالث را حمل بر معانی دیگری کرد و آن را متناسب با احوال شخصی و زندگی طاق فرسا و سایر عوامل فکری شاعر در نظر گرفت. در بین اشعار اخوان ثالث به یاس و ناامیدی و شکایت از زمانه در قالب پوچ‌گرایی که ناشی از فریاد او از سینه پر اندوه است، مشاهده می‌شود. در قصه شهر سنگستان آنجا که شهزاده این شهر، همه راه‌های نجات و امید را طی کرده اما حاصلی جز ناامیدی و خموشی نمی‌یابد؛ چاره‌ای جز رنج روحی و سرخوردگی در این قصه نمی‌توان یافت. در این مقاله برآنیم تا استعانت از آیات و احادیث روح همیشه پر تلاطم خود را قدری با بارقه‌های نور، آرام کنیم. یکی از دلایل گرایش فلاسفه غربی به پوچ‌گرایی، کفر و پوشاندن حقیقت است. پوشاندن حقیقت بر جنبه‌های سلبی و نیهیلیستی فلسفه مدرن مانند انکار وجود جهان مستقل از ذهن صادق است. توحید، پیام محوری قرآن است و قرآن با شیوه‌ها و دلایل متعددی از توحید در خالقیت دفاع می‌کند. یکی دیگر از دلایل گرایش فلاسفه غربی به پوچ‌گرایی، بدگمانی نسبت به خداوند است نه تنها به خداوند بلکه بدگمانی به تمام هستی دارند. در رد این تفکر، از بیانات دینی کمک گرفته‌ایم. قرآن کریم می‌فرماید «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» هرکسی از توجه و یاد من روی برگرداند، زندگی‌ای تنگ و پر از فشار خواهد داشت. آری، ایمان است که زندگی را در درون جان ما بر ما وسعت می‌بخشد و مانع فشار عوامل روحی می‌شود. نتیجه آن که با عنایت به آثار اخوان ثالث و زندگی‌نامه که در خلال اشعارش نقل شده است، نمی‌توان اخوان را پوچ‌گرا و نیهیلیست به حساب آورد، هر چند تأثیر فلسفه نیهیلیست را نمی‌توان در اشعار او کتمان کرد. اما با توجه به برهه زمانی شاعر، افکار پوچ و یأس‌آلود در اشعار شاعر را نمی‌توان دور از انتظار دانست. در قرآن، احادیث و روایات اسلامی، راه‌های رهایی و نجات از اندیشه‌های یأس‌آلود و نومیدانه وجود دارد که با تکیه و با به کار بستن این رهنمودها، می‌توان از غم و اندوه حاصل از رنج‌های روزگار و زمانه رهایی یافت.

منابع

- ۱- «قرآن کریم»، ترجمه مکارم شیرازی.
- ۲- علی ابن ابی طالب، (۱۳۸۵). «نهج البلاغه»، ترجمه محمد دشتی، قم: غرف الاسلام.
- ۳- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۰). «آخر شاهنامه»، تهران: مروارید. صص ۱۴۷-۱۳۵.
- ۴- _____، _____، (۱۳۷۰)، «ارغنون»، تهران: مروارید.
- ۵- _____، _____، (۱۳۶۰)، «از این اوستا»، تهران: مروارید.
- ۶- _____، _____، (۱۳۴۸)، «بهترین امید»: روزن.
- ۷- _____، _____، (۱۳۶۸)، «در حیات کوچک پاییز در زندان»، تهران: بزرگمهر.
- ۸- _____، _____، (۱۳۷۰)، «زمستان»، تهران: مروارید.
- ۹- _____، _____، (۱۳۵۷)، «زندگی می گوید اما باید زیست»، تهران: توکا.
- ۱۰- پایکین ریچارد هنری، آروم استرول، (۱۹۲۳)، «کلیات فلسفه»، ترجمه: جلال الدین مجتبوی، تهران: حکمت.
- ۱۱- تقوی بهبهانی، سید نعمت، (۱۳۹۱)، «ناصر خسرو و کلام آلامی»، مشهد: دستور.
- ۱۲- حسینی بهاران چی، سید محمد، (۱۳۸۵)، «محرمات اسلام»: عطر عترت.
- ۱۳- کریمی نسب، خداداد، (۱۴۰۱)، «کتاب یاس و امید در اشعار مهدی اخوان ثالث»: سنجش و دانش.
- ۱۴- کریمی نسب، خداداد، (۱۳۹۸)، «تحلیل مفهوم و شاخصه های یاس در اشعار مهدی اخوان ثالث ارائه شده»، سومین کنفرانس بین المللی ادبیات و زبان شناسی: تهران کریمی.
- ۱۵- نسب، خداداد، (۱۳۹۸)، «تحلیل مفهوم و شاخصه های امید در اشعار مهدی اخوان ثالث ارائه شده»، سومین کنفرانس بین المللی ادبیات و زبان شناسی: تهران.
- ۱۶- خمینی، روح الله، (۱۳۲۱)، «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۷- دستغیب، عبدالحسین، (۱۳۷۵)، «گناهان کبیره»، ج ۱: غدیر.
- ۱۸- دهخدا، محمد، (۱۳۷۷)، «فرهنگ لغت فارسی»، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۹- سبزواری، حاج ملاهادی، (۱۳۶۰)، «شرح منظومه»، به اهتمام مهدی محقق و ایزتسو، تهران: لاله تهران.
- ۲۰- سجادی، جعفر، (۱۳۶۲)، «فرهنگ معارف اسلامی»، تهران: مؤلفان و مترجمان ایران.
- ۲۱- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، «ادوار شعر فارسی»، تهران: سخن.
- ۲۲- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، «وسایل الشیعه»، ج ۹، قم: مؤسسه آل البیت لاحیای التراث.
- ۲۳- طاهباز، سیروس، (۱۳۷۰)، «مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج»، تهران: نگاه.
- ۲۴- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۱)، «ترجمه تفسیر المیزان»، جلد ۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۵- فروزان فر، بدیع الزمان، (۱۳۶۱)، «احادیث معنوی»، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۶- گلزاده غفوری، علی، (۱۳۵۶)، «یادداشت هایی درباره نیپیلیسم»: فرهنگ اسلامی.
- ۲۷- لاهیجی، شیخ محمد، (۱۳۳۷)، «شرح گلشن راز شبستری»، با مقدمه کیوان سمیعی، تهران: محمودی.
- ۲۸- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۹۴)، «بحار الانوار موضوع احادیث ائمه»، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۹- مختاری، محمد، (۱۳۷۲)، «انسان در شعر معاصر»، تهران: توس.
- ۳۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، «آشنایی با قرآن»، قم: صدرا.
- ۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، «تفسیر نمونه»، ج ۱۳، تهران: دارالکتب السلامیه.
- ۳۲- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، ج ۱۴: ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۳- نیچه، فریدریش ویلهلم، (۱۳۷۷)، «اراده معطوف به قدرت»، ترجمه مجید شریف: تهران: جامی.
- ۳۴- نیچه، فریدریش ویلهلم، (۱۳۹۴)، «انسانی بسیار انسانی»، ترجمه سعید فیروز آبادی، تهران: جامی.
- ۳۵- نیچه، فریدریش ویلهلم، (۱۳۵۲)، «چنین گفت زرتشت»، ترجمه داریوش آشوری، تهران: نیلی.
- ۳۶- یوشیج، نیما، (۱۳۷۰)، «مجموعه اشعار»، تهران: نگاه.

Criticism of the category of despair in the poems of the Third Brotherhood with the approach of the Qur'an and the hadiths of the imams of purification

Ozra Hatami¹, Seyed Majid Tagvi Behbahani^{*2}, Parveen Dokht Mashor³

¹PhD student of Persian language and literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

² Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Email: smt@gmail.com

³Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

Abstract

In this research, which is written in a library style and with a descriptive-analytical method, it is intended to point out the word despair and hopelessness and that its roots are in Western thinking (nihilism); Answer the question whether the despair in the poems of the Third Brotherhood is caused by nihilistic thoughts or not? Despair in contemporary literature begins after 1320 AH and reaches its peak with the coup d'etat of August 28, 1332 AH. At the same time, the society had a great impact on the poetry of the poets of this period due to political and social reasons. A kind of despair that after the August 28 coup on the poems of the poets of this period, according to the period of time, has not been unaffected in the poems of the Third Brotherhood, and the causes of despair and hopelessness and its effects in his poems, caused him to express his feelings in this pay the ground This research aims to introduce the word despair from the point of view of etymology and express the various concepts of this word from the Islamic, literary and philosophical point of view. Then he criticizes the despairing poems of Mahdi Akhwan and since the root of nihilistic thought originates from Western schools, by examining the views of two Western nihilistic philosophers, Spinoza and Nietzsche, he expresses the view of these philosophers and finds the influence of this view in the poems of Akhwan. . The basic solution of the article is pointed to the holy religion of Islam, which searches for the way of happiness and happiness of man around the Qur'an and Hadith with the hadiths and traditions of the imams of purification and Quranic verses. Undoubtedly, the content presented in the Quran and Hadith can be the main criterion for us in this criticism.

Keywords: Quran, hadiths, despair and hopelessness, nihilist, third brotherhood.